

نیم‌نگاهی به طرح‌های آبی حوزه‌ی هلیل‌رود با توجه به انتخابات

نامزدان انتخابات و موضوع انتقال آب



مدیران آب کشور چه هنگام خواهند پذیرفت که در هیچ‌کجای ایران، آب اضافه‌ای برای انتقال وجود ندارد؟ آیا آنان خواهند پذیرفت که ما در کشوری کم‌آب زندگی می‌کنیم و ضرورت دارد که نیازهای آبی خود و محیط زیست‌مان را در هر منطقه، با موجودی آب همان‌جا هماهنگ کنیم؟ این شیوه که هر گروه سیاسی یا اجتماعی که قدرت دارد، بتواند آب را از یک منطقه به سوی منطقه‌ی مورد نظر خویش بکشد، و این روش مدیریتی که عده‌ای فن‌سالار، با تفاخر به مدرک‌های تحصیلی که در محیطی بیگانه با واقعیت‌های جامعه‌شناختی، و بی‌اعتنا به دانش بومی و نیازهای محلی فراچنگ آمده، برای این ماده‌ی تصمیم بگیرند، چه هنگام کنار گذاشته خواهد شد؟!

طرحی با عنوان طرح انتقال آب صفارود، با ساخت یک سد (سد شهیدان امیرتیموری) و تونل انتقال آب ۳۶ کیلومتری در استان کرمان در دست اجرا است که در صورت تکمیل، آخرین نفس‌های منابع آب جنوب استان کرمان (شهرستان‌های جیرفت، عنبرآباد، فاریاب، کهنوج، رودبار، قلعه گنج و منوجان) و تالاب جازموریان را خواهد گرفت.

استاندار کرمان در سال ۹۴ گفته که برای ساخت این تونل هزار و پانصد میلیارد تومان لازم است؛ معاون اول رئیس‌جمهور در روز دوم فروردین ۹۶ برای بازدید از تونل یادشده که قرار است طولانی‌ترین تونل انتقال آب خاورمیانه و سومین تونل طولانی از این نوع در جهان بشود، بازدید کرد که این را می‌توان نوعی بی‌اعتنایی به اعتراض‌های مردم منطقه دانست؛ و مدیرعامل آب منطقه‌ای استان کرمان گفته است که تأثیر سد صفارود بر تالاب جازموریان (نقطه‌ی انتهایی هلیل‌رود) فقط سه درصد است. این سه رویداد و اظهار نشانگر این واقعیت‌اند که در موضوع منابع آب، در همچنان بر پاشنه‌ی بودجه‌خواری گزاف، مدیریت سازه‌ای، و انکار اثرات مخرب دستکاری‌های سنگین می‌چرخد و در این زمینه از سه چهار دهه‌ی پیش تا کنون، در میان مدیران کشور تغییر نگرش چشمگیری پدید نیامده است. گو این که نمی‌توان منکر شد که در چهار سال گذشته، انتقاد به شیوه‌های رایج مدیریت آب، فضای بیشتری برای طرح یافته است.

در مورد سه عبارت بالا (بودجه‌خواری، مدیریت سازه‌ای، انکار اثرات) یک مقایسه و توضیح بد نیست: هزار و پانصد میلیارد تومان، مقدار پولی است که اگر در یک نظام اداری غیرفاسد به درستی هزینه شود، با آن می‌توان تقریباً یکصد و پنجاه هزار هکتار زمین کشاورزی را به یکی از روش‌های آبیاری تحت فشار تجهیز کرد و مصرف آب را به یک‌سوم یا حتی کم‌تر کاهش داد. این مقدار کاهش، به معنای یک صرفه‌جویی حدوداً یک میلیارد مترمکعبی (معادل دو و نیم برابر حجم سد جیرفت) است. ممکن است پرسیده شود که پس چرا این قدر برای ساخت سد و تونل و کانال هزینه می‌شود، اما برای اصلاح روش‌های کشاورزی نه؟ پاسخ را باید در این جست که مدیران شرکت‌های سازه و دلان لابی‌گر آن‌ها به راحتی به محافل قدرت دسترسی دارند، اما هزاران کشاورز خرده‌مالک یا متوسط هیچ دسترسی‌ای به نهادهای تصمیم‌گیرنده یا تقسیم‌کنندگان بودجه ندارند. مقام‌ها معمولاً ترجیح می‌دهند که با چند «یقه‌سفید» قدرتمند طرف گفتگو شوند تا با انبوهی کشاورز آفتاب‌سوخته که دست‌های پینه‌بسته‌شان خالی است... «انکار» نیز بخش پایانی یا مکمل پروژه است؛ ساخت‌وسازگرایان با امکانات رسانه‌ای و تبلیغی فراوانی که دارند، خشکیدگی پهنه‌های آبی درون کشور را فقط نتیجه‌ی عمل کشاورزان و دیگر مصرف‌کنندگان، یا خشکسالی، و یا تخصیص

نیافتن بودجه‌ی کافی (!) اعلام می‌کنند و نه حاصل سد بستن بر رودهایی که در شرایط طبیعی، سرزندگی را در مسیر و در تالاب‌های انتهایی خود جاری می‌سازند.

فراموش نکنیم که همه‌ی طرح‌های بزرگ انتقال آب در جهان، در عمل بدل به پروژه‌های خشکاندن دریاچه‌ها و تالاب‌های پربرکت، یا به برنامه‌هایی برای نابودی اقتصادهای محلی بدل شده، و سبب مرگبار شدن محیط‌های پیشتر آباد شده‌اند؛ این قصه‌های غم‌انگیز را می‌توان از رودخانه و مجموعه تالاب‌های هادجیا نگورو (Hadejia-Nguru) در نیجریه تا کناره‌های رودخانه‌ی زرد در چین، و از رودخانه‌ی کلرادو در آمریکا تا دریاچه‌ی آرال در آسیای مرکزی، و بسیاری نقاط دیگر دید(۱). درآمد حاصل از تالاب‌ها که با ماهیگیری، دامداری، پرورش زنبور عسل، تهیه‌ی حصیر، زراعت، و... به دست می‌آید، بسیار بیشتر از درآمدی است که با آب گرانبه‌های سدها حاصل می‌شود(۲). تاییدی بر این ادعا این که پیش از ساخت سد گران قیمت جیرفت، که حداکثر چند دهه دوام خواهد داشت، هامون جازموریان معیشت انبوه خانوارهای ساکن در اطراف خود را در طول تاریخ تأمین کرده بود. هم امسال که به برکت بارش‌های فوق‌العاده در ابتدای فروردین، هلیل‌رود به جازموریان رسید، چند ده هزار هکتار مرتع بی هیچ هزینه‌ای احیا شد و اقتصاد منطقه رونقی دوباره یافت.

امروزه کشور ما در بدترین شرایط آبی تاریخ خود به سر می‌برد؛ و از آن‌جا که آب ضامن حفظ حیات، عامل اولیه برای تأمین خوراک و امنیت کشور، و یک عنصر اصلی در توسعه‌ی اقتصادی است، ضرورت دارد که نمایندگان مردم در شوراها، رییس جمهور و هیات دولت کنونی، و همچنین نامزدان شوراها و ریاست جمهوری بعدی، برنامه‌های خود را برای اصلاح اساسی شیوه‌های مدیریت منابع آب اعلام کنند. در این میان، متوقف ساختن طرح‌های خطرناکی مانند طرح سد صفارود و تونل انتقال آب از هلیل‌رود به شمال استان کرمان، بسیار ضروری است.

البته، موضوع آب به‌طور کلی و موضوع انتقال آب، فقط یک موضوع داخلی نیست؛ امروزه یکی از بزرگ‌ترین معضله‌های محیط زیستی ایران پدیده‌ی ریزگردها است که مرتبط با سدسازی‌های ترکیه بر بالادست دجله و فرات است. این سدسازی‌ها و برداشت غیرمسئولانه‌ی آب دو رودخانه‌ی یادشده، سبب کم‌آب شدن و خشکی بخش‌های بزرگی از تالاب‌های جنوب عراق و جنوب غربی ایران و در نتیجه موجب برخاستن ریزگردهایی شده که گاه تا نیمی از کشور ما را در برمی‌گیرد. یک وظیفه‌ی دولت آینده، فعال‌سازی «دیپلماسی آب» و گفتگو با دولت ترکیه بر سر رعایت حقابه‌ی تاریخی سوریه و عراق و تالاب‌های هورالعظیم است.

پی‌نوشت:

(۱) برای آگاهی درباره‌ی اثرات سدسازی و طرح‌های انتقال آبی که در این‌جا به آن‌ها اشاره شده، نگاه کنید به: پی‌یرس، فرد. وقتی رودخانه‌ها می‌خشکند، ترجمه: بهشید دلیلی، انتشارات بهجت، ۱۳۹۳، صص ۸۴ و ۱۳۸ و ۱۳۴ و ۱۹۶ و... .

(۲) همان، ص ۸۸

<http://www.khabaronline.ir/detail/659549>